

نوشتگان (۵)

میلاد بیگدلو

| ۶۱-۷۱ |



Writings (5)

Milad Bigdeloo

Abstract: In the fifth issue of «Writings», we first delve into ancient Persian writings from the far East and present an ancient leaf recovered from this region. In another section, a discussion is provided on the transformation of the final -a (< -ag < -aka-) of words to -e, along with examples that may be the oldest evidence of this conversion.

Keywords: Ancient Persian, Khutan, China, Transformation -a > -e.

چکیده: در شماره پنجم «نوشتگان»، نخست به نوشته‌های فارسی کهن از شرق دور پرداخته و برگ‌های باز یافته از همین ناحیه را عرضه کرده‌ایم. در بخش دیگر، درباره تحول -a (< -ag < -aka-) پایانی واژه‌ها به -e بحث و نمونه‌هایی پیشنهاد شده است که ممکن است کهن‌ترین شواهد این تبدیل باشد.

کلیدواژه‌ها: فارسی کهن، ختن، چین، تحول -a > -e.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۰. برگگی کهن از شرق

از شرق دور، چند متن فارسی تاکنون برجای مانده است. از جمله این متون یکی متن فارسی بسیار مهم متعلق به سده هفتم میلادی است که از نزدیک ختن قدیم، درواحه دندان اوپلیق یافته شده و خود بخشی از یک نامه است. این متن را نخست بار مارگلیوث (Margoliouth, 1903) عرضه کرد (این مقاله به عنوان ضمیمه در Stein, 1907, pp. 570-574 نیز چاپ شد). سه سال بعد، کارل زالمان (Salemann, 1906) این متن را منتشر کرد و چند پیشنهاد تازه در خوانش متن داد. چاپ دیگر این نامه از سوی اوتاس (Utas, 1968) انجام شد. هم او بعداً در بازچاپ همین نوشته در گزیده مقالاتش (Utas, 2013, §9)، نکته‌هایی دیگر افزود. در چند سال اخیر، سند فارسی دیگری از همین منطقه یافته‌اند (نک. Zhang & Shi, 2008؛ ترجمه انگلیسی در Zhang, 2016). به نظر یوشیدا (Yoshida, 2018, p. 385)، متن تازه یافته بخش آغازی نامه و متن دیگر ادامه همان نامه است.^۱ محلّ بازیابی این نامه فارسی به ختن قدیم نزدیک است و در متن آن از یک دهقان ختنی نیز سخن رفته است. اخیراً این دو قطعه را ژانگ (Zhang, 2022-2023) تصحیح و ترجمه کرده است. هنینگ (Henning, 1957, pp. 341-342)، شاکد (Shaked, 1971, p. 182)، صادقی (۱۳۵۷)، صص ۷۵-۸۱؛ Sadeghi, 2021)؛ لازار (Lazard, 1988) و آصفی و شفیع (Asefi, 2023؛ 1399) نکته‌هایی در قرائت و توضیح این نامه پیش نهاده‌اند.

پس از این نامه، کهن‌ترین متن فارسی از شرق یک قبالة بیع با تاریخ ۵۰۱ هجری از ختن است. این قبالة را نخست مارگلیوث (Margoliouth, 1903, §I) به چاپ رساند. سپس تر، مینوی (۱۳۴۵) به چاپ این متن دست یازید، نواقص کار مارگلیوث را تدارک کرد و تاریخ درست نگارش قبالة را دریافت. بعدتر، مینورسکی (Minorsky, 1942, §b) همین متن را چاپ و ترجمه کرد و توضیحاتی درباره اعلام آن افزود.

از ناحیه شرق (ترکستان؟) کتابی نیز در اخلاق دینی و عرفانی برجای مانده است. نخست دانش پژوه (۱۳۵۸، صص ۲۸۰-۲۸۱) و سپس صفری آق قلعه (۱۳۹۲) این کتاب را معرفی کردند و آن را از سده ششم یا هفتم دانستند. بعدتر شمیسا (حقایق، ۱۳۹۷)، در تصحیح خود از این کتاب بر اساس سه نسخه از جمله نسخه چین، آن را از سده پنجم یا ششم دانست.

از سده هشتم هجری نیز یک فرهنگنامه نسبتاً مختصر چینی به فارسی بازمانده است. این

۱ به نظر ژانگ (Zhang, 2022-2023, p. 112) دندان اوپلیق ادامه مستقیم دندان اوپلیق ۲ نیست و در این میان بخش‌هایی از دست رفته است.

۲ صفری آق قلعه به نوسان شناسه دوم شخص جمع حال از «-یت» به «-ید» اشاره کرده است. در این جا می‌افزاییم که این نوسان در نوشته‌های فارسی-یهودی منبعث از شرق نیز دیده می‌شود (نک. Shaked, 2003, pp. 205-206).

فرهنگنامه به تحقیق مینوبوهوند در جلد دوازدهم^۳ نامواره^۴ دکتر محمود افشار (۱۳۷۹)، صص ۸۹-۱ به چاپ رسیده است.^۴

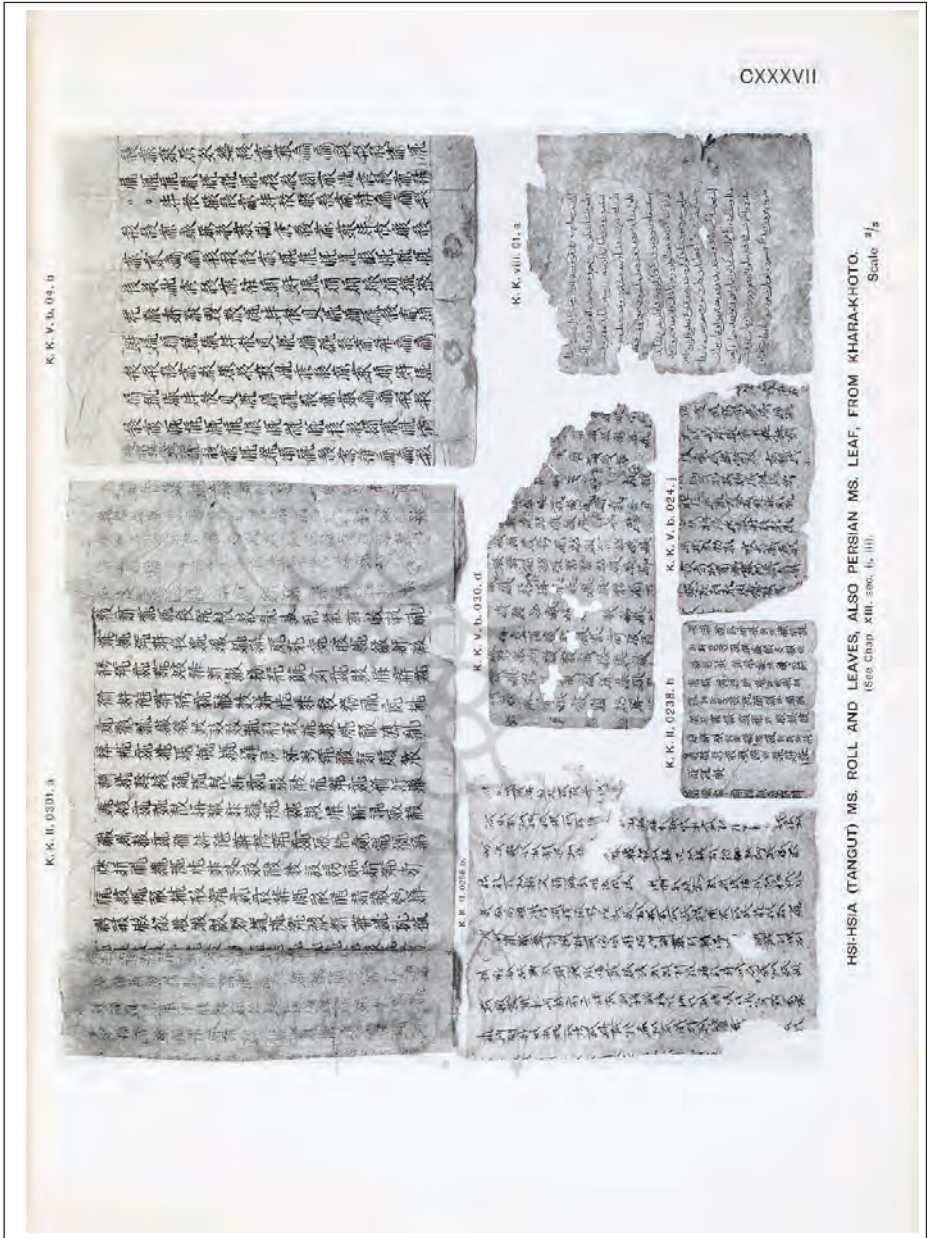
در برخی دست نوشته های کهن یهودیان چین نیز پاره ها و عباراتی به فارسی به خط عبری نقل شده است که در نوشته ای دیگر بدان ها خواهیم پرداخت.

در این جا، قطعه فارسی دیگری از شرق دور عرضه می کنیم. در جستجوی اورل اشتاین و گروه اکتشاف او در خرابه های فراختا برگه ای سالم از یک دست نوشت فارسی (شماره گذاری اشتاین: K.K. viii. 02. a) به دست آمده است. این باز یافته تک برگه است از اثری به فارسی در باب زمان های مقرر نماز که تاریخ تألیف آن احتمالاً به آغاز سده چهاردهم میلادی (نیمه دوم سده هفتم و نیمه نخست سده هشتم هجری) بازمی گردد. پیدا شدن این برگه از این نظر جالب است که تأییدی است بر شواهد دیگر از گسترش اسلام به شرق. بنا بر این شواهد، اسلام به واسطه روابط بازرگانی از آسیای مرکزی به چین کشیده است (Stein, 1928, p. 444). وجود متن های حقایق و قبالة بیع، هر دو متقدم بر این برگه، گواهی دیگر است برگسترش زود هنگام اسلام به نواحی شرق دور و گروه مردمان آن نواحی به این دین. پس از تازش مغولان، دیگر چین با سرزمین های مسلمان آسیای داخلی و غربی در ارتباط مستقیم قرار گرفت.

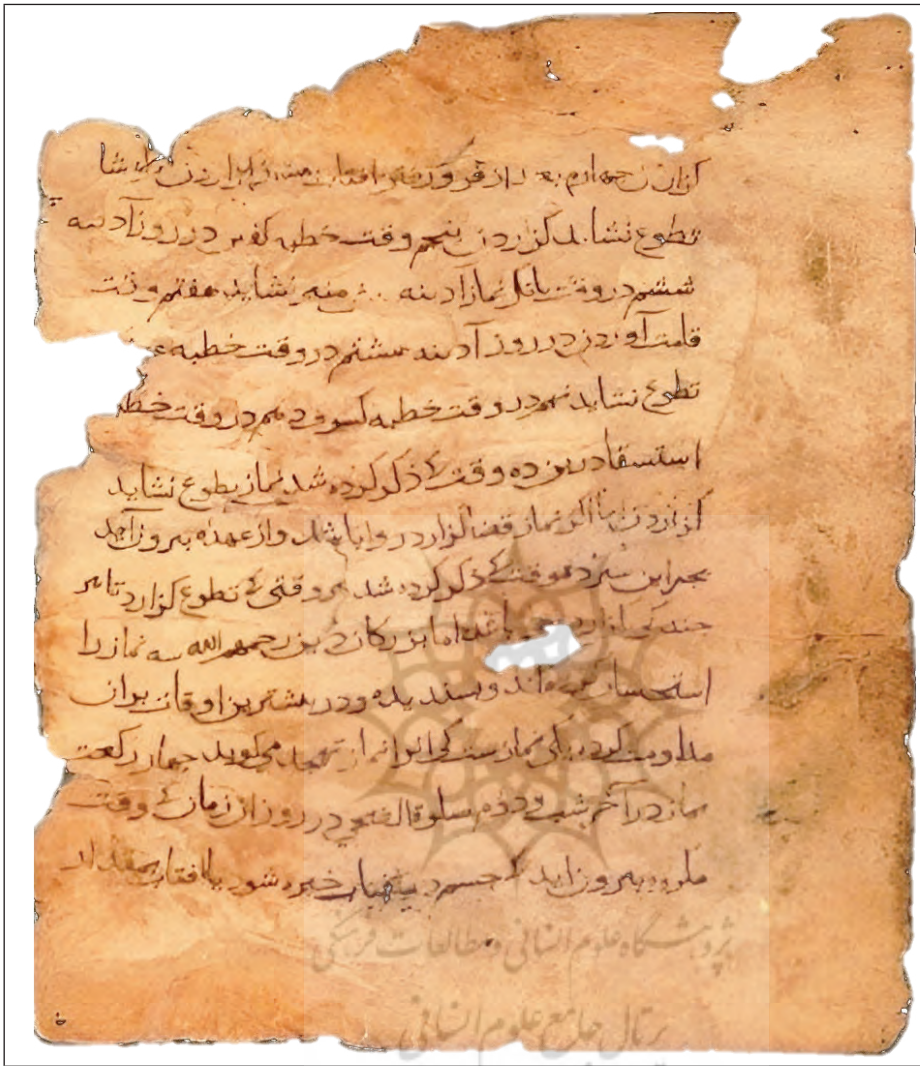
این برگه با مانده، با ابعاد ۱۹ در ۱۶ سانتی متر و محفوظ در کتابخانه بریتانیا به شماره Cat. 148 (The Silk Road, 2004, p. 222)، درباره ده وقتی است که خواندن نماز تطوع بدان اوقات شایسته نیست. از میان این ده وقت، سه وقت در صفحه پیشین آن ذکر شده بوده که اکنون برجای مانده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۳ و نه جلد ششم (افشار، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸).
۴ این فهرست مختصر البته جامع نیست. برای نسخه های فارسی چین، نک. دانش پژوه در دانش پژوه و حاکمی، ۱۳۶۲، صص ۱۰۳۵-۱۰۰۶.



Stein, 1928, vol. 3, Pl. CXXXVII



© British Library; The Silk Road, 2004, p. 222⁵

متن

۱. گزار[د]ان؛ چهارم بع[ا]د از فرورفتن افتاب زمس...ان (ظ: زمستان) گزاردن...شا (بعشا [=] به عشا)؟
۲. تطوع نشاید گزاردن؛ پنجم وقت خطبه گفتن در روز آدینه
۳. ششم در وقت بانگ نماز آدینه سنش [ظ: بییش؟] منبر نشاید؛ هفتم وقت

۵ ابعاد و کیفیت تصویر منقول در کتاب جادهٔ ابریشم (۲۰۰۴) کوچک و کم است. تصویری که در این جا عرضه کرده‌ایم، برای بهبود کیفیت و اندازه، با ابزارهای دیجیتال ویرایش شده است. نگارنده از استاد گرامی، دکتر سید حسین ارجانی سپاسگزار است.

۴. قامت آوردن در روز آدینه؛ هشتم در وقت خطبه ع... (ظ: عید)
۵. تطوع نشاید؛ نهم در وقت خطبه کسوف؛ دهم در وقت خطبه [سبأ]
۶. استسقا. درین ده وقت کی ذکر کرده شد نماز تطوع نشاید
۷. گزاردن؛ اما اگر نماز قضا گزارد روا باشد و از عهدهٔ بیرون آید
۸. بجز این سزده (ظ: سیزده) وقت کی ذکر کرده شد، هر وقتی کی تطوع گزارد تا هر
۹. چند کی بگزارد [روا] باشد. اما بزرگان دین، رحمهم الله، سه نماز را
۱۰. استحسان کر [دا] هاند و پسندیده و در بیشترین اوقات بران
۱۱. مداومت کرده؛ یکی نمازست کی آنرا نماز تهجد می گوید، چهار رکعت
۱۲. نماز در آخر شب و دوّم صلوة الضحی در روز، آن زمان کی وقت
۱۳. مکروه بیرون آید کی جسم (ظ: چشم) ... دیفباب (ظ: در آفتاب) خیره شود یا آفتاب بمقدار

منابع

- اصفی، نیما و شفیع، ابراهیم (۱۳۹۹). نامهٔ فارسی-یهودی دندان اولیلیق ۲. زبان فارسی و گویش های ایرانی، ۵ (۲)، ۱۶۹-۱۹۶.
- دانش پژوه، محمدتقی (زیر نظر) (۱۳۵۸). نسخه های خطی (دفتر نهم). تهران: انتشارات کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد.
- دانش پژوه، محمدتقی و حاکمی، اسماعیل (زیر نظر) (۱۳۶۲). نسخه های خطی (دفتر یازده و دوازده). تهران: انتشارات کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد.
- افشار، ایرج (۱۳۸۹). تازه ها و پاره های ایرانشناسی (۶۶). بخارا، ۷۶، ۸۳-۱۱۸.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۷). تکوین زبان فارسی. تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- میروی، مجتبی (۱۳۴۵). قبالة فارسی از قرن ششم. فرهنگ ایران زمین، ۱۴، ۲۸۷-۲۸۸.
- هوندا، مینوبو (۱۳۷۹). فرهنگنامهٔ کهن چینی به فارسی. در ایرج افشار [با همکاری کریم اصفهانیان] (به کوشش)، پژوهش های ایرانشناسی: ناموارهٔ دکتر محمود افشار (جلد دوازدهم: دربرگیرندهٔ سی و چهار مقاله) (صص ۱-۸۹). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- صفری آق قلعه، علی (۱۳۹۲). حقایق در اخلاق دینی و عرفانی. گزارش میراث، ۶۰-۶۱، ۵-۱۳.
- حقایق: متنی از قرن پنجم یا ششم هجری قمری، بر اساس منابع اهل سنت (۱۳۹۷). به تصحیح سیروس شمیسا. تهران: قطره.
- Asefi, N. (2023). An Old Letter from Khotan: A Review of an Early Judeo-Persian Letter Called Dandān Uiliq II. *Persica Antiqua*, 3(4), 49-60.
- Henning, W. B. (1957). The Inscriptions of Tang-i Azao. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, 20(1/3), 335-342.
- Lazard, G. (1988). Remarques sur le fragment judéo-persan de Dandān-Uiliq. In *A Green Leaf. Papers in Honour of Jes. P. Asmussen* (pp. 205-209). Leiden: Brill [= Lazard, G. (1995). *La formation de la langue persane* (pp. 157-161). Paris, Peeters.].

- Margoliouth, D. S. (1903). Early Documents in the Persian Language. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 35(4), 761-770.
- Minorsky, V. (1942). Some Early Documents in Persian (I). *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 3, 181-194.
- Sadeghi, A. A. (2021). Linguistic Features of Khorasani Persian. In E. L. Daniel (Ed.), *Encyclopædia Iranica* (Vol. XVI, Fascicle VI: KASHAN-KHORASAN) (pp. 23-31). Leiden: Brill.
- Salemann, C. (1906). Po povodu evrejsko-persidskogo otryvka iz Chotana. *Zapiski Vostočnogo Otdelenija*, 16 (1904-1905), 46-57.
- Shaked, Sh. (1971). Judaeo-Persian notes. *Israel Oriental Studies*, 1, 178-182.
- Shaked, Sh. (2003). Early Judaeo-Persian Texts, with Notes on a Commentary to Genesis. In L. Paul (Ed.), *Persian Origins – Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian: Collected Papers of the Symposium, Göttingen 1999* (pp. 195-219). Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.
- Stein, A. (1928). *Innermost Asia: Detailed Report of Explorations in Central Asia, Kan-su and Eastern Īrān*. Oxford: The Clarendon Press.
- Stein, M. A. (1907). *Ancient Khotan: Detailed Report of Archaeological Explorations in Chinese Turkestan* (Vol. I: Text). Oxford: The Clarendon Press.
- The Silk Road: Trade, Travel, War and Faith* (S. Whitfield, Ed., with U. Sims-Williams) (2004). Chicago: Serindia Publications in association with the British Library.
- Utas, B. (1968 [1969]). The Jewish-Persian Fragment from Dandān-Uiliq. *Orientalia Suecana*, 17, 123-136.
- Utas, B. (2011). *From Old to New Persian: Collected Essays* (C. Jahani & M. Fallahzadeh, Eds.). Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Yoshida, Y. (2018). Some New Interpretations of the Two Judeo-Persian Letters from Khotan. In A. Hintze, D. Durkin-Meisterernst, & C. Naumann (Eds.), *A Thousand Judgements: Festschrift for Maria Macuch* (pp. 385-394). Wiesbaden: Harrassowitz Verlag.
- Zhang Zhan & Shi Guang (2008). 件新发现犹太波斯语信札的断代与释读 [A Newly-discovered Judeo-Persian Letter]. *敦煌吐鲁番研究* [*Dunhuang Tulufan Yanjiu*], 11, 71-99.
- Zhang Zhan (2016). The Second Jewish-Persian Letter ca. 790. In V. Hansen (Ed.), *The Silk Road: A New History with Documents* (pp. 381-382). New York: Oxford University Press.
- Zhang Zhan (2022-2023). Two Judaeo-Persian Letters from Eighth-Century Khotan. *Bulletin of the Asia Institute*, New Series, 31, 105-134.

۱۱. دربارهٔ تحول a- پایانی کلمات به e-

یکی از تحوّل‌های آوایی زبان فارسی از دورهٔ باستان تا به نو تبدیل -aka- است به ak- و سپس ag-، و پس افتادگی g- (احتمالاً در اواخر دورهٔ ساسانی تا به سدهٔ نهم میلادی^۸) و ماندن a- . اکنون این a- در فارسی معیار به صورت e- تلفظ می‌شود؛ برای نمونه، (zâde < zādag < zātaka) «زاده». صادقی در مقاله‌ای (۱۳۸۷) با پیش نهادن برخی شواهد شعری و مشکول^۹ نشان داد که «در برخی نقاط ایران در قرن‌های ششم تا هشتم a-های پایانی به e- بدل شده بوده‌اند» (صص ۴۰۰-۴۰۱). از جمله کهن‌ترین نمونه‌ای که از این تحوّل در این نوشته آمده ضبط Anuš ēruan (= انوشه‌زوان) است که سیپتوس، تاریخ‌نویس ارمنی سدهٔ هفتم میلادی، از «انوشیروان» (= anōšag-ruw/vān) به دست داده است.

ما در این نوشته شواهدی را پیش خواهیم نهاد که ممکن است کهن‌ترین نمونه‌های تحوّل -aka- به e- و به عبارت اولی تبدیل a به e مورد نظر باشد.

بیش از یک سده پیش‌تر، اورل اشتاین، در میان اسناد دیگر، نوشته‌هایی به خط خروشتی^{۱۰} یافت که زبان آن‌ها گونه‌ای از پراکریت هندی است و زبان دیوانی کروراینه^{۱۱} یا شان‌شان^{۱۲} در سدهٔ سوم میلادی بوده است و آن را، به سبب باز یافته شدن بسیاری از این اسناد در محلّ قدیم نیه^{۱۳} در چین، پراکریت نیه (ای)^{۱۴} می‌نامند. در این گونهٔ زبان، که خاستگاه آن شمال غرب هند بوده، تأثیر دوزبان پیدا است؛ یکی تأثیر زبان (های) ایرانی و دیگری زبان محلّی کروراینه. واژه‌های ایرانی تبار این نوشته‌ها ویژگی‌های پیش‌رو را دارد: احتمالاً از یک ناحیه و در یک دوره وارد نشده‌اند؛ بسیاری از این واژه‌ها پیش از کاربرد پراکریت در آسیای مرکزی، یعنی در شمال غرب، خاستگاه این زبان، داخل آن شده است؛ تحوّل‌ات (برای نمونه، -vi به -^{۱۵} d و gu به ^{۱۶} l) آوایی‌ای که در صورت این واژه‌ها

۸سنج. «ناله» (*nālag) < «خواستنه» (xwāstah) از سدهٔ نخست هجری (منقول در صادقی، [۱۳۵۷]، صص ۶۰، ۶۹) و نوسان c'mq و cmh «جامه» در نامهٔ دندان اویلیق (Paul, 2013, p. 58, §57). همچنین سنج. افتادگی g از -g، که با توجه به صورت وام‌واژه‌های فارسی میانه در سریانی به نظر هنینگ (Henning, 1957, p. 337, fn. 3) احتمالاً از همان ادوار متقدّم فارسی میانه آغاز شده بوده است.

۹ صورت گفتاری «است» را به گونهٔ a-، که در این مقاله همراه با شواهد کهن آن (صادقی، ۱۳۸۷، صص ۳۹۷، ۴۰۱-۴۰۲، ۴۰۵) از نمونه‌های تبدیل a پایانی به e دانسته شده، احتمالاً باید کنار گذاشت؛ و e و این صورت، که امروز «گفتاری» به شمار می‌رود، اصلی است (نک. Bigdeloo, forthcoming).

10Kharoṣṭhī

11Kroraina

12Shan-Shan

13Niya

14Niya Prakrit

۱۵ برای این تحوّل، نک. صادقی، ۱۳۹۶.

۱۶ برای این تحوّل، نک. شمارهٔ بعدی «نوشتگان».

دیده می‌شود مشابه تحولات زبان‌های آن دسته از ایرانیانی است که نزدیک به آغاز دوره میلادی شمال غرب هند را در تصرف خود داشته‌اند (Burrow, 1937, pp. vii-viii).

در میان واژه‌های دخیل ایرانی در اسناد به این گونه زبان، که بارو در دو مقاله (Burrow, ۱۹۳۴؛ ۱۹۳۵) آن‌ها را بررسی کرده، مواردی هست که $e > -aka$ را نشان می‌دهد: $*dānaka < dhane$ «دانه»، $-azātaka < ajhate$ «آزاده»، و $saste < sastaka$ «روز» (Burrow, 1936, p. 783). یک نمونه احتمالی دیگر are «نصف» است، از (Burrow, 1935, p. 77) $ardaka$.

گویا (نک. Schoubben, 2021, p. 53) تاکنون محقق نشده است که e در این موارد تلفظ آن زبان / زبان‌های ایرانی (کدام؟) وام‌دهنده بوده یا حاصل رفتار این گونه پراکریت با وام‌واژه‌های ایرانی است.

و اما یک شاهد قدیم دیگر نام دهی مستحکم در غرب پایکند که آن را مقدسی به صورت «امدیزی» و یاقوت به گونه «امدیزه» ضبط کرده است. تلفظ تقریبی این نام را، بر اساس این صورت‌ها طبق نظر هنینگ (Henning, 1965, p. 77)، $*Amōizē$ باید گرفت از صورت فرضی ایرانی باستان $-hama-dizaka$. پسوند $-aka$ در زبان‌های مکتوب ایرانی میانه به ai و e بدل می‌شود (Henning, 1965, p. 83)؛ در سغدی نیز حاصل این پسوند در اصل $-ē$ (مذکر) است. بنابراین، ممکن است نام ده یادشده، با توجه به صورت آن و محل آن در ناحیه بخارا، اصل سغدی داشته باشد. با این نکته در همین جا به صورت‌های انجامیده به «سی»، از جمله «نوشتی» (= نوشته) و «نگاشتی» (= نگاشته) و «دوگانی» (= دوگانه) برمی‌گردیم که در برخی متون کهن ضبط شده است. یک نمونه دیگر از این صورت‌ها $wrdy$ «برده» ($>$ $wardag$) در ترجمه فارسی-یهودی کتاب عاموس (Carlsen, ۱۹۸۴, p. ۹۳) است. صادقی (۱۳۸۷، ص ۴۰۴) درباره این صورت‌ها توضیح داده است: « e به دلیل کشیدگی خود بعدها به $ē$ (یای مجهول) تحول یافته است.» هم افزوده است که واژه‌های انجامیده به «سی»، که به صورت منفرد در متون بررسی شده‌اند و دیده می‌شوند، «از مناطق دیگر به شکل قرضی به این مناطق رفته‌اند» (صادقی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۷). آیا «سی» این صورت‌ها را، به ویژه در نوشته‌های شرق ایران، با تحول ساده‌تر $-aka$ به $-ai$ و بعد $-ē$ توجیه نمی‌توان کرد؟ با جستجو و بررسی بیش‌تر داده‌های بیش‌تر، از فارسی و زبان‌های ایرانی دیگر، که در زمان‌های متقدم در زبان‌های دیگر به وام گرفته شده، احتمالاً می‌توان به تصویری واضح‌تر از این تحول و پیشینه آن و توجیه صورت و مسیر تحول داده‌های مختلف دست یافت.

اخیراً نوروزی (۱۴۰۲، صص ۱۷۲-۱۷۳) آن دسته از صفات مفعولی را که در نوشته‌های فارسی-یهودی با حرف $ه$ (π) پایانی نوشته شده‌اند از نمونه‌های تبدیل آوای a پایانی به e دانسته است. یکی از ویژگی‌های املائی نوشته‌های کهن فارسی به خط عبری این است که بازمانده ag - پایانی فارسی میانه واژه‌ها در این نوشته‌ها به دو صورت نوشته می‌شده است: یا، به تأثیر از املائی فارسی-

عربی با حرف الف (x)، و یا، به پیروی از املاهای عبری، با حرف هه (h) (Paul, 2013, §31, p. 46). با گذر زمان و به پیروی از املاهای این آوا با «ه/ه» در نوشته‌های فارسی به خط فارسی-عربی، در بیش‌تر نوشته‌های فارسی به خط عبری نیز برای نمایاندن کوتاه پایانی دیگر فقط حرف هه (h) را به کار بسته‌اند.^{۱۷} همان‌طور که الف در آن دسته از صورت‌های صفات مفعولی که با این حرف نوشته شده نماینده *ā* در نظر گرفته نمی‌شود، به همین سان حرف هه را نیز در آن دسته از صورت‌های صفات مفعولی که با این حرف نوشته شده لزوماً نمی‌توان نماینده *e* و بنابراین از شواهد تبدیل *a* به *e* انگاشت. برای یافتن این تبدیل در این نوشته‌ها، باید به دنبال شواهد مشکوک بود.

منابع

- افشار، ایرج (۱۳۸۹). دو برگ نوشته کهنه فارسی. آینه میراث، ۴۶، ۵-۱۴.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۷). تحول *a*-پایانی کلمات فارسی به *e*. در حسن حبیبی (زیر نظر)، جشن نامه استاد اسماعیل سعادت (صص ۳۹۷-۴۱۰). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۷). تکوین زبان فارسی. تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۹۶). قاعده آوایی حذف *w/* آغازی و چند مسئله آوایی وابسته به آن. ویژه نامه فرهنگستان (فرهنگ نویسی)، ۱۲، ۱۸-۳.
- نوروزی، حامد (۱۴۰۲). عناصر عامیانه و غیر رسمی نوشتاری در سطح واژگانی برخی از ترجمه‌های کهن عهد عتیق. دومه نامه فرهنگ و ادبیات عامه، ۴۹، ۱۵۵-۱۸۷.
- Bigdeloo, M. (forthcoming). The So-Called Colloquial Form of "ast" in Ancient Persian: *ast > e?*.
- Burrow, T. (1934). Iranian Words in the Kharoṣṭhi Documents from Chinese Turkestan. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 7(3), 509-516.
- Burrow, T. (1935). Iranian Words in the Kharoṣṭhi Documents from Chinese Turkestan-II. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 7(3), 779-790.
- Burrow, T. (1937). *The Language of the Kharoṣṭhi Documents from Chinese Turkestan*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Carlsen, B. (1984). Amos in Judeo-Persian. In *Orientalia J. Duchesne-Guillemin Emerito Oblata* (pp. 73-112). Leiden: E.J. Brill (diffusion).
- Henning, W. B. (1965). Surkh-Kotal und Kaniška. *Zeitschrift Der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 115(1), 75-87 [= Henning, W. B. (1977). *W. B. Henning Selected Papers* (Vol. II, pp. 631-644). Leiden: E.J. Brill (diffusion); Téhéran-Liège: Bibliothèque Pahlavi (edition).].
- Henning, W. B. (1957). The Inscriptions of Tang-i Azaa. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 20(1), 335-342 [= Henning, W. B. (1977). *W. B. Henning Selected Papers* (Vol. II, pp. 521-528). Leiden: E.J. Brill (diffusion); Téhéran-Liège: Bibliothèque Pahlavi (edition).].
- Paul, L. (2013). *A Grammar of Early Judaeo-Persian*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Schoubben, N. (2021). Accent Sign Matters: The Niya Prakrit Grapheme <ḱ> and Its Connection to Bactrian <ḱ>. *Journal Asiatique*, 309(1), 47-59. ف

۱۷ در مواردی این *h* حتی در هنگام پیوستن پیوستن نیز نوشته شده است؛ از جمله در *rsthgy* = 'آرستگی (= آرستگی) (تصحیح ۸۸، p. 88، Carlsen, 1984). سنج. «فرومایه‌گی» و «نازه‌گی» و صورت‌های مشابه در فرهنگ کهن عربی-فارسی (۱۴۰۱). «برده نیست» [= بُردنی ست] را که در دو برگ نوشته کهنه فارسی (افشار، ۱۳۸۹، ص ۹، سطر ۲۹) آمده با توجه به همین ویژگی املایی توجیه باید کرد.